



آیت الله حسین نوری



تقصیر

(۳)

درواه

ریشه کن ساختن فقر

فاجعه بزرگ بشریت

«تیسفونید» و غیره است که این عوارض ژبانه‌بار نخستین بار در میان ملت‌هایی که درگیر جنگ جهانی اول بودند بطور کامل کشف گردید و در حال حاضر نیز در مناطق فقیر به فراوانی دیده می‌شود و نسل‌های بشری را قربانی می‌سازد.

• انسان‌هایی که از فرط گرسنگی «جاق» می‌شوند!

مواردی را که تاکنون در این مبحث مورد طرح و بررسی قرار داده‌ایم، مربوط به نتیجه نقصان‌های نسبی پروتئین بوده است. یعنی مواردی مانند عقب‌ماندگی‌های ملل فقیر از لحاظ مشخصات ظاهری، ساختمان جسمانی، وزن، قد، کندی رشد اندام، نقص‌های بدنی، و یان‌توان گشتن بدن انسان و مستعد شدن دستگاه‌های ماشین انسانی برای

گفتیم. این مواد حیاتی و سازنده بر سه دست تقسیم می‌شود که عبارت است از مواد پروتئینی، مواد معدنی، و ویتامین‌ها، کمبود یا فقدان هر یک از این مواد، عواقب ژبانه‌بار و شومی دارد که نسل‌های انسانی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

چنانکه قبلاً نیز گفتیم، یکی از شایع‌ترین و عمومی‌ترین اشکال کمبود مواد غذایی، مربوط به نقصان انواع پروتئین‌های حیوانی است که چون تهیه کردن آنها مستلزم مخارج هنگفت است از عهده اکثریت عظیم مردم جهان برنمی‌آید و در نتیجه عدم دسترسی به این مواد، بیشتر مردم دنیا از لحاظ ساختمان بدنی دچار عدم رشد کامل و دستخوش انواع بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های عفونی هستند. موارد تأیید شده این بیماری‌ها، نظیر «سل»، «ذات‌الریه»، «اسهال»،

در چند مقاله گذشته، ضمن بحث از مفاسد «سیستم اقتصادی سرمایه‌داری»، به بررسی یکی از جلوه‌های دردناک و دهشت‌بار این سیستم غیرانسانی، که عبارت از «فقر» و جنبه‌های گوناگون آن بود پرداختیم. در آن مقالات گفتیم که اگر امروزه محققان می‌گویند: «بیش از دوسوم مردم دنیا - حدود ۳ میلیارد انسان - گرسنه هستند منظور آنان «گرسنگی کتی» و عدم دسترسی به «قوت لایموت» نیست بلکه منظور محققان «گرسنگی کیفی» یا گرسنگی مخفی است که عبارت است از مشتمل نبودن خوراک دوسوم مردم دنیا، بر مواد لازم و حیاتی سازنده‌ای که برای تأمین نیازهای دستگاه بدن و حفظ تعادل و تزویم سلول‌های ماشین بدن انسانی ضرورت تام دارد. طبق تحقیقات علمی، چنانکه

بیماریهای گوناگون. اینها همه حاکی از مواردی است که عواقب کمبود پروتئین ها و اسیدهای آمینه و سایر مواد اساسی و حیاتی، بطور غیرمستقیم در افراد بروز و ظهور می کند.

اما موارد دیگری نیز هست که بسیار وخیم تر و نگران کننده تر از این نمونه های ذکر شده می باشد. و آن نیز عبارت از کمبودهای بسیار شدید مواد پروتئینی است که می تواند علائم و نشانه هایی از یک سلسله بیماریهای مشخص و هراس انگیز را به صورتی غیر قابل تردید آشکار سازد.

بارزترین نشانه های این بیماریهای مهلک، که گاه حتی بیننده را نیز علاوه بر حیرت و تأثر دچار وحشت هم می کند، هنگامی ظاهر می شود که انسان گرسنه، دچار ورم ها و آماس های دردناک گرسنگی می شود. چنین انسانی، به گفته یک پژوهشگر بین المللی در راه رفتن و حرکات، بدریختی و بدترکیبی یک عروسک کهنه و بدبوخت و درهم شکسته را پیدا می کند؛ که نه تنها هیچ کودک و رغبت نگریستن به آن را ندارد، بلکه بزرگترها نیز از نظاره آن به رعشه می افتند.

طبق مدارک ارائه شده توسط همین پژوهشگر، در نواحی گرسنه و فقیر که کمبود مواد غذایی حکمفرما است، در هر دوره ای که نقصان مواد پروتئینی به حد اعلی می رسد، انسان های فراوانی دیده می شوند که از مرحله لاغری و وحشت آور ناگهان شروع به افزایش وزن و با نوعی «چاقی بیمارگونه» می کنند، به نحوی که صورت آنها ورم می کند، ساق هایشان بی اندازه کلفت می شود شکم هایشان دچار برآمدگی عجیب و آماس های

ناموزون و کربیه المنظری می شود که گویی یک کبسه لاستیکی را بیش از گنجایش آن باد کرده اند و بجای شکم به اندامی متصل ساخته اند که کمی بالاتر از آن، از زیر پوستی نازک و بدرنگ، تمام دنده ها از فرط لاغری بیرون زده است. علت این امر، طبق یک سلسله تحقیقات علمی و تأیید شده، جمع شدن آب هائی است که بر اثر فقدان مواد پروتئینی ایجاد می شود و صورت متراکم و ورم کرده ای پیدا می کند. طی دو جنگ جهانی، در کشورهای مختلف اروپا این پدیده فراوان دیده شده است. اسناد موجود نشان می دهد که در جنگ های داخلی اسپانیا نیز، تقریباً کلیه افراد و سکنه این کشور دچار ورم های گرسنگی شدند و هنگامی شکم هایی باد کرده و صورت هایی پف کرده پیدا کردند.

اما اگر در نقاط مذکوره این علائم و وحشتناک گرسنگی تنها در زمان جنگ بروز کرده، نقاط دیگری از دنیا نیز هست که در دوران صلح هم دچار همین بلیه هستند. به عنوان نمونه می توان از بسیاری نقاط افریقا نام برد و بویژه می توان از «بیاپرا» یاد کرد که چندسال پیش، امپریالیسم جهانی برای سرپوش نهادن بر بسیاری از جنایات خود، و منحرف ساختن افکار جهانی از مسائل دیگر، بر سر آن تبلیغات و جنجالهای فراوانی بر پا کرد و با کمک گرفتن از شبکه های خبری امپریالیسم و شبهه نویسی جهانی، تصاویر فراوان و مختلف و غم انگیزی از مردم این سرزمین را در نشریات دنیا به چاپ رسانید. در آن تصاویر، مردان و زنان و بویژه کودکانی دیده می شدند که از فرط لاغری، تمام اندامشان گویی پوستی نازک بود که بر مثنی استخوان باریک و درهم شکسته کشیده شده است. ولی در عین حال، شکم های این افراد بقدری ورم کرده بود که گویی حجم شکم هر کدام از آنها و بخصوص حجم شکم

کودکان، به تنهایی برابر با حجم تمام قسمت های دیگر بدن آنها است. همچنین مجموعه های بزرگ و بدقواره آنها که بویژه در قسمت پیشانی بطوری نامتناسب و تعجب آور رشد بیمارگونه یافته بود، سرهای بزرگ و ناموزونی را نمایش می داد که بر روی گردنی باریک و در حال شکستن و گسستن، بطور بی تناسب و نامتعادل جلوه می کرد.

غیر از «بیاپرا» نیز نقاط دیگری که این پدیده جزء بلاهای همیشگی آنهاست در سایر نواحی دنیا کم نیستند. از جمله در شمال شرقی کشور «برزیل» که همواره در معرض خشکسالی ها و قحطی های ادواری است، بسیار دیده می شود که هنگام هجوم بلا، مردم دسته دسته از فرط گرسنگی پا به فرار می گذارند و به نقاط دیگر مهاجرت می کنند. این مهاجران، نوعاً چهره هایی آماس کرده دارند و بدنهای آنها کودکانی حرکت می کنند که اندام لاغر و فاقد گوشت آنها، شکم های سنگین و باد کرده ای را که بر اثر گرسنگی آب آورده و حجم و وزن عجیب و ناموزونی پیدا کرده است، روی دوساق پای شل و کج و معوج و باریکتر از نهال نیشکرهای سرزمین شان به سختی حمل می کنند.

آنچه بیان شد، موارد بسیار معدودی از صدها مورد گوناگون عواقب شوم گرسنگی پروتئینی است که از فرط فراوانی و آشکاری نمونه های آن، تقریباً تمام مردم دنیا با آن آشنائی دارند. اما موارد و نمونه های دیگر، که از لحاظ اعداد و ارقام فراوانتر، و از لحاظ عواقب شوم آن مخوف تر است، بسیار بیش از اینها است. و در این موارد است که گرسنگی پروتئینی، همچون غده های مخفی سرطان، به جان جامعه انسانی حمله ور شده است و اعضاء و اندام های جامعه بشری را، از درون و بیرون در چنگال خود می فشارد و به تدریج اما بطور مداوم پیکر بشریت را می بلعد.

از این موارد وعواقب زیانبار و مرگ آفرین آن، طی بحثی جداگانه و به عنوان جمع بندی سلسله بحث های مربوط به فقر و گرسنگی بشر امروز سخن خواهیم گفت.

● کمبود مواد معدنی: جلوه دیگری از گرسنگی مخفی!

قبلاً اشاره کردیم که یک دسته دیگر از مواد حیاتی و مورد نیاز بدن انسان، مواد معدنی است و کمبود یا فقدان این مواد، یسایرخی از آنها در رژیم غذایی افراد انسانی، یکی دیگر از انواع گرسنگی کیفی را در جوامع انسانی مطرح می سازد. برای پی بردن به اهمیت این مواد و درک فاجعه کمبود آنها در بدن، کافی است بدانیم که به گفته کارشناسان و دانشمندان زیست شناس: وجود املاح و مواد معدنی در تغذیه، به اندازه مجموعه نیروی بدن یا به اندازه پروتئین های لازم برای انجام اعمال حیاتی ماشین انسانی اهمیت دارد. بطوری که حتی اگر کسی دارای یک تغذیه کامل و سالم باشد و فقط در مجموعه این غذاها مقداری کلسیم یا آهن یا هر کدام از مواد معدنی مورد نیاز وجود نداشته باشد، چنین شخصی با وجود تغذیه خوب و کاملش باز هم ممکن است برای همین کمبود مختصر دچار اختلالات و اغتشاشات مزاجی شدید گردد. اهمیت املاح و مواد معدنی به علت وظایف مهمی است که این مواد باید در مکانیسم حیاتی بدن انجام دهند و برای انجام این اعمال، هیچ عامل دیگری نمی تواند جانشین آنها شود.^۱

بدین ترتیب، اگر کسی یک یا چند قلم از این مواد را کسر داشته باشد و نتواند آنها را از راه طبیعی تغذیه و دسترسی به غذاهای کامل و در بردارنده این مواد تأمین کند، دچار اختلالاتی در سلامت جسم و روح خود می شود که هیچ عامل دیگری

قادر به علاج آن نیست. در یک کلام باید گفت: درد کمبود مواد معدنی، در واقع یک درد بی درمان است و کسی که قادر به تأمین این مواد در غذای خود نباشد، باید جزو بیماران علاج ناپذیر به حساب آید.

● نقش مواد معدنی در دستگاه بدن انسان

تحقیقات علمی نشان می دهد که در ترکیب مواد زنده بدن انسان، بطور مداوم، لازم است که ۱۳ نوع شبه فلز و ۱۶ نوع فلز وجود داشته باشد. علاوه بر این ۷ ماده معدنی دیگر هم وجود دارند که در ترکیبات مزبور بطور نامنظم ظاهر می شوند و گرچه وجود آنها بطور مداوم و وقفه ناپذیر مطرح نیست، ولی بهر حال برای حفظ تعادل و سلامت کامل بدن انسان، نمی توان بطور کلی از آنها چشم پوشی کرد. با آنکه بیشتر املاح معدنی در طبیعت به فراوانی یافت می شود، باز گروه کثیری از مردم دنیا، دچار کمبود این مواد هستند. کمبود یا گرسنگی مواد معدنی به دو صورت ساکنان مناطقی است که تغذیه ی ناقص و نارسا دارند و غذاهایی همچون شیر و میوه و سبزیجات تازه (که منبع اصلی این مواد هستند) به مقدار کم مصرف می کنند و یا در واقع اصلاً مصرف نمی کنند.

صورت دوم این کمبود در مناطقی است که اتفاقاً به این مواد خوراکی بخوبی دسترسی دارند و به مقدار فراوان هم از آنها تغذیه می کنند، ولی باز دچار کمبود این مواد هستند. علت این امر نیز آن است که در بعضی نقاط دنیا به دلیل نوع خاک و مشخصات آب و هوای منطقه یی آن، مواد خوراکی بدست آمده از لحاظ مواد معدنی و املاح مورد نیاز بدن انسان، فقیر و نارسا است. باید دانست فرضا اگر یک خوراکی معین را در نظر بگیریم، ممکن است این خوراکی در یک ناحیه از دنیا دارای املاح و مواد معدنی

فراوان باشد و در نقطه دیگری از کره خاکی، همان ماده غذایی، مقدار ناچیزی از مواد و املاح مزبور را داشته باشد. بنابراین برخی از زمین ها، که خاک آنها مواد سازنده و نیروی بارآوری خود را از دست داده و یا از قبل هم دچار ضعف و ناتوانی بسوده است، باعث می شود که در غذای ساکنانش برخی کمبودها ظاهر شود و عوامل موثری در ایجاد گرسنگی کیفی آن مردم باشد. در نتیجه، خاک های اراضی مختلف از طریق محصولی که به بار می آورند و در دسترس عموم قرار می دهند، به شکلی قاطع و تردید ناپذیر در گرسنگی کیفی و در سلامت و قدرت مقاومت و تعادل، و در نیروی حیاتی افراد بشر، نقش و تأثیر بسیار مهمی دارند. دانشمندی بنام پروفسور «هوتن» که در دانشگاه هاروارد تحقیقات بیولوژیکی می کند، با مدنیتها مطالعه بر روی اسکلت های افراد بومی که در دشت های غربی کشورهای متحده آمریکا زندگی می کرده اند، به این نتیجه رسید که: در یک فاصله زمانی هزار ساله به تدریج از اندازه قد و قامت آنها کاسته شده و ضمناً بطور مداوم هم استخوانهایشان تغییر شکل داده و هم نسل به نسل بر «کرم خوردگی دندانهایشان» افزوده شده است. وی با این تحقیقات ثابت می کند که انحطاط بیولوژیکی مداوم و تدریجی آن افراد، به علت کاهش تدریجی منابع خاک محلی سکونت شان بوده و باعث می شده است که انسانهای مزبور، اندک اندک و نسل پشت نسل دچار انحطاط شوند و ارزش جسمانی و روانی خود را از دست بدهند و به این ترتیب نسل آنها رو به پست شدن برود تا جایی که بکلی منقرض شود چنانکه در آینده با توفیق الهی به شرح آن خواهیم پرداخت.

ادامه دارد

۱- ژوزوئه دوکاسترو، ژئو پلنیک گرسنگی، ص ۸۳

۲- ژئو پلنیک گرسنگی، ص ۸۱